

حدود مشروعیت شرط عدم مسئولیت در قراردادها

حاتم صارمی

گروه حقوق، حقوق خصوصی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

شرط عدم مسئولیت یکی از شروط قراردادی است که به موجب آن، یکی از طرفین یا هر دو، خود را از مسئولیت ناشی از اجرای ناقص یا خسارت بار قرارداد معاف می سازند. این شرط، در نظام های حقوقی مختلف، بر پایه اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها پذیرفته شده، اما در عین حال با محدودیت های جدی مواجه است. در حقوق ایران، پذیرش مشروعیت این شرط، منوط به رعایت قواعد عمومی قراردادها، اصول اخلاقی، و الزامات نظم عمومی است. این مقاله با بررسی مبانی فقهی و قانونی، تلاش دارد حدود و ثغور مشروعیت این شرط را در پرتو حقوق داخلی و تطبیقی روشن سازد. در بررسی انجام شده، مشخص شد که شرط عدم مسئولیت در برخی حوزه ها—نظیر خسارات ناشی از تقصیر عمدی، آسیب های بدنی، و قراردادهای الحاقی—به دلیل تعارض با نظم عمومی یا اصول عدالت قراردادی، باطل یا غیرقابل استناد تلقی می شود. همچنین، در نظام حقوقی ایران، فقدان وحدت رویه قضایی و ابهام در تفسیر مفاهیم «مغایرت با مقتضای عقد» یا «شرط نامشروع» باعث شده است که کارایی عملی این شرط همواره محل تردید باشد. مقاله در پی آن است که با تحلیل نظری و مطالعه نمونه های قضایی، قلمرو مشروع این شرط را شناسایی و از حدود نامشروع آن تفکیک کند.

شرط عدم مسئولیت، قرارداد، نظم عمومی، تقصیر عمدی، عدالت قراردادی، مشروعیت شرط،

واژگان کلیدی: حقوق ایران، شروط ضمن عقد.

طبقه بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

Limits of Legitimacy of the Non-Liability Clause in Contracts

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2025 ,Sixth year ,Issue 23

Pages 1-17

Hatem Saremi

Department of Law, Private Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran,
Iran

Abstract

The non-liability clause is a contractual clause by which one or both parties exempt themselves from liability arising from the incomplete or damaging performance of the contract. This clause is accepted in various legal systems based on the principle of the sovereignty of will and freedom of contracts, but at the same time it faces serious limitations. In Iranian law, the acceptance of the legitimacy of this clause is subject to compliance with the general rules of contracts, moral principles, and the requirements of public order. By examining the jurisprudential and legal foundations, this article attempts to clarify the limits and pitfalls of the legitimacy of this clause in the light of domestic and comparative law. In the study conducted, it was found that the non-liability clause in some areas—such as damages resulting from intentional fault, bodily injuries, and additional contracts—is considered invalid or unenforceable due to its conflict with public order or the principles of contractual justice. Also, in the Iranian legal system, the lack of unity of judicial practice and ambiguity in the interpretation of the concepts of "contrary to the requirements of the contract" or "illegal condition" have caused the practical effectiveness of this condition to always be in doubt. The article seeks to identify the legitimate scope of this condition and separate it from its illegitimate limits by theoretical analysis and studying judicial examples.

Keywords: Non-liability condition, contract, public order, intentional fault, contractual justice, legitimacy of the condition, Iranian law, conditions in the contract

مقدمه

یکی از جلوه‌های مهم اصل آزادی اراده در قراردادهای امکان درج شروطی است که طرفین در چارچوب توافق خود به آن رضایت می‌دهند. در میان این شروط، «شرط عدم مسئولیت» جایگاهی خاص دارد؛ شرطی که به موجب آن یکی از طرفین می‌کوشد مسئولیت خود را در قبال خسارات ناشی از اجرا یا نقض تعهدات قراردادی محدود یا به‌طور کامل منتفی سازد. این شرط در بسیاری از نظام‌های حقوقی پذیرفته شده اما همواره با تردیدهایی در زمینه مشروعیت، حدود اعتبار، و آثار حقوقی آن مواجه بوده است. دغدغه اصلی، تعارض بالقوه این شرط با اصول بنیادینی چون نظم عمومی، عدالت قراردادی، و حمایت از طرف ضعیف‌تر قرارداد است. در حقوق ایران نیز، شرط عدم مسئولیت در چارچوب اصل آزادی قراردادهای (ماده ۱۰ قانون مدنی) قابل تصور است، اما از نظر فقهی و قانونی با محدودیت‌های قابل توجهی مواجه می‌شود. پرسش اصلی این است که تا چه حد می‌توان با استناد به اراده طرفین، مسئولیت ناشی از تقصیر، زیان‌های بدنی یا نقض تعهدات اصلی را ساقط نمود؟ بررسی این مسئله مستلزم تحلیل دقیق مفاهیمی چون مشروعیت شرط، مقتضای ذات عقد، و نظم عمومی است. در این مقاله تلاش می‌شود با استناد به منابع فقهی، مقررات قانونی و رویه‌های قضایی، حدود قابل

قبول و مشروع شرط عدم مسئولیت شناسایی و از موارد غیرموجه آن تفکیک گردد.

۱- کلیات و مفاهیم پایه

۱-۱- تعریف و مفهوم شرط عدم مسئولیت

شرط عدم مسئولیت، شرطی است که به موجب آن یکی از طرفین قرارداد، خود را از جبران خسارات ناشی از عدم اجرای تعهدات یا اجرای ناقص و زیان‌بار آن، معاف می‌سازد. این شرط معمولاً در متن قرارداد گنجانده می‌شود و طرفین با توافق، دامنه مسئولیت ناشی از تخلف قراردادی یا حوادث احتمالی را محدود یا منتفی می‌کنند. مبنای اعتبار این شرط، اصل آزادی قراردادهای و ماده ۱۰ قانون مدنی است که به اشخاص اجازه می‌دهد در حدود قوانین، هرگونه توافقی را که مخالف صریح قانون نباشد، منعقد نمایند (نقوی سالستانی، ۱۴۰۲: ص ۶).

با وجود این، شرط عدم مسئولیت مطلق و بدون قید نیست. چنانچه این شرط متضمن معافیت از مسئولیت در قبال خسارات ناشی از تقصیر عمدی یا سنگین باشد، یا مخالف با قواعد آمره، نظم عمومی، یا اخلاق حسنه شناخته شود، فاقد اعتبار حقوقی خواهد بود. همچنین در مواردی که قرارداد از نوع قرارداد الحاقی باشد و شرط مزبور به ضرر طرف ضعیف‌تر

تحمیل شده باشد، امکان بی‌اعتباری آن از منظر عدالت قراردادی وجود دارد. در نتیجه، مشروعیت شرط عدم مسئولیت باید در چهارچوب موازنه میان اراده آزاد طرفین و الزامات قانونی و اخلاقی ارزیابی شود.

۱-۲- اقسام شرط عدم مسئولیت

یکی از مهم‌ترین اقسام شرط عدم مسئولیت، مربوط به خسارات بدنی است. در این نوع، یکی از طرفین تلاش می‌کند خود را از پیامدهای جبران خسارت‌هایی که ممکن است به جان یا سلامت جسمی طرف مقابل وارد شود، معاف کند. با وجود این، در اغلب نظام‌های حقوقی، از جمله حقوق ایران، چنین شرطی به دلیل مغایرت با نظم عمومی و حقوق بنیادین اشخاص، معتبر شناخته نمی‌شود. سلامت و جان انسان‌ها از چنان اهمیتی برخوردارند که توافق برای سلب مسئولیت از ورود آسیب بدنی، در بیشتر موارد باطل تلقی می‌شود، حتی اگر با رضایت صریح طرف متضرر باشد (بصیرتی، ۱۳۹۴: ص ۵۱).

نوع دیگر، شرط عدم مسئولیت در قبال خسارات مالی است که نسبت به نوع بدنی از پذیرش بیشتری برخوردار است. در اینجا، متعهد می‌کوشد در صورت ورود ضرر مالی ناشی از نقض قرارداد یا تأخیر در انجام تعهد، خود را از مسئولیت مبرا سازد. این نوع از شروط، اگر در چارچوب اصل حاکمیت اراده

باشد و برخلاف مقتضای ذات عقد یا قوانین آمره نباشد، در بسیاری موارد قابل پذیرش است. البته در قراردادهای الحاقی یا مواردی که شرط به نحو ناعادلانه‌ای به طرف مقابل تحمیل شده باشد، امکان بی‌اعتباری آن وجود دارد. دسته دیگر، شرط عدم مسئولیت در نتیجه ارتکاب تقصیر، اعم از تقصیر ساده یا عمدی است. در اغلب نظام‌های حقوقی، شرط عدم مسئولیت نسبت به خسارات ناشی از تقصیر عمدی، به طور مطلق باطل است؛ چرا که نمی‌توان با توافق خصوصی، فردی را از پیامدهای سوءنیت یا رفتار عامدانه در اضرار به دیگری مبرا ساخت. اما در مورد تقصیر ساده، امکان پذیرش شرط در برخی موارد وجود دارد، به‌ویژه زمانی که شرط شفاف و آگاهانه پذیرفته شده باشد. مرز میان این دو مورد، همواره محل اختلاف و تفسیر است (فرهنگی قلعه جوقیف ۱۴۰۰: ص ۶۳-۶۰).

در نهایت، گاهی شرط عدم مسئولیت نسبت به اشخاص ثالث مطرح می‌شود؛ به این معنا که یکی از طرفین می‌خواهد در قبال خساراتی که ممکن است به اشخاص خارج از قرارداد وارد شود، مسئولیتی نداشته باشد. در چنین مواردی، حتی اگر این شرط میان طرفین معتبر شناخته شود، اثر آن نسبت به اشخاص ثالث نافذ نخواهد بود، چرا که اشخاص ثالث خارج از محدوده اراده و توافق قراردادی هستند. اصول مسئولیت

مدنی، به ویژه اصل جبران خسارت، اجازه نمی‌دهد که توافق خصوصی، مانع مسئولیت نسبت به زیان وارد بر اشخاص ثالث گردد.

۳-۱- فلسفه و کارکرد شرط عدم مسئولیت

یکی از اهداف اصلی درج شرط عدم مسئولیت در قراردادهای، ایجاد شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری در روابط طرفین است. هنگامی که طرفین از پیش مشخص می‌کنند که در صورت بروز خسارت، مسئولیتی متوجه یک یا هر دو طرف نخواهد بود، نوعی ثبات در تعامل حقوقی به وجود می‌آید. این پیش‌بینی، امکان برنامه‌ریزی دقیق‌تر را برای متعهد فراهم می‌کند و طرف دیگر نیز با علم به این محدودیت وارد قرارداد می‌شود. در نتیجه، شرط عدم مسئولیت نوعی ابزار قراردادی برای تنظیم انتظارات و تحدید تعهدات در قالب توافقی مشروع به شمار می‌آید (اکبرزاده و ادهمی، ۱۴۰۰: ص ۳).

از منظر اقتصادی، یکی از مهم‌ترین کارکردهای این شرط، کاهش هزینه‌های ناشی از دادرسی و دعاوی احتمالی است. زمانی که شرط عدم مسئولیت به درستی در قرارداد گنجانده شود، احتمال شکل‌گیری اختلافات و ارجاع آنها به محاکم کاهش می‌یابد؛ چرا که حدود مسئولیت قبلاً مشخص شده است. این موضوع به‌ویژه در قراردادهایی که در حجم وسیع یا به‌صورت مستمر تنظیم می‌شوند (مانند قراردادهای

بیمه یا حمل‌ونقل)، اهمیتی دوچندان دارد. در واقع، این شرط ابزاری برای کنترل هزینه‌های حقوقی و جلوگیری از اطاله دادرسی استدر حوزه کسب‌وکار، شرط عدم مسئولیت نقش مهمی در مدیریت ریسک تجاری ایفا می‌کند. فعالان اقتصادی، خصوصاً در معاملات بزرگ و بین‌المللی، همواره با خطرات متعدد مواجه‌اند. گنجاندن چنین شرطی به آنها کمک می‌کند تا در برابر خطرات ناشی از عوامل غیرقابل کنترل یا بروز حوادث پیش‌بینی‌نشده، پوشش قراردادی ایجاد کنند. به عبارتی، شرط عدم مسئولیت، بخشی از سیاست مدیریت ریسک بنگاه‌ها محسوب می‌شود که از طریق آن می‌کوشند دامنه تعهدات خود را به‌طور معقول محدود نمایند. عابدی، ۱۳۹۴: ص ۱۹).

با وجود کارکردهای مثبت این شرط، نباید فراموش کرد که حاکمیت مطلق آن می‌تواند به تضعیف عدالت قراردادی منجر شود. فلسفه وجودی این شرط باید در راستای تنظیم منصفانه روابط حقوقی باشد، نه راهی برای فرار از مسئولیت در برابر خطاهای جدی یا رفتارهای غیرمنصفانه. به همین دلیل، نظام حقوقی در کنار پذیرش اصل آزادی اراده، با قرار دادن محدودیت‌هایی برای شرط عدم مسئولیت، تلاش می‌کند تا تعادلی میان آزادی قراردادی و حفظ حقوق اساسی طرفین برقرار سازد.

۲- مبانی مشروعیت شرط عدم مسئولیت

مبنای مشروعیت شرط عدم مسئولیت را می‌توان در اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها جست‌وجو کرد؛ اصلی که در ماده ۱۰ قانون مدنی ایران نیز به رسمیت شناخته شده و به طرفین اجازه می‌دهد در حدود قانون، هر توافقی را منعقد کنند. از منظر فقهی نیز اصل «الناس مسلطون علی أموالهم» مبنای مهمی برای پذیرش چنین شروطی به شمار می‌رود، زیرا افراد می‌توانند نسبت به اموال و حقوق خود تصرف و توافق کنند، مگر آنکه خلاف شرع یا قانون باشد. همچنین اصل وفای به عهد، اعتبار توافقی‌های قراردادی را تقویت می‌کند. با این حال، این مشروعیت در صورتی پایدار خواهد بود که شرط یادشده با قواعد آمره، نظم عمومی، اخلاق حسنه و مقتضای ذات عقد تعارض نداشته باشد (دهقان، ۱۳۷۶: ص ۸۳).

۱-۲- اصول حاکم بر قراردادها (آزادی اراده و اصل لزوم)

یکی از اصول بنیادین در نظام حقوق قراردادها، اصل حاکمیت اراده است. این اصل به معنای آن است که طرفین قرارداد، تا جایی که مخالف قانون نباشد، می‌توانند آزادانه مفاد قرارداد را تعیین کرده و بر اساس توافق دوجانبه، تعهدات، حقوق و شروط را مشخص نمایند. این اصل، پشتوانه مهمی برای آزادی اشخاص در تنظیم روابط حقوقی‌شان محسوب

می‌شود و فلسفه وجودی آن، احترام به اراده و اختیار انسان‌ها در حوزه امور مالی و قراردادی است. در حقوق ایران نیز ماده ۱۰ قانون مدنی، تجلی روشنی از این اصل است.

در همین راستا، شرط عدم مسئولیت یکی از مصادیق اعمال اراده آزاد طرفین در تنظیم قرارداد به شمار می‌رود. زمانی که دو طرف با آگاهی و رضایت کامل، شرطی را می‌پذیرند که بر اساس آن، یکی از آنان از مسئولیت ناشی از بروز خسارت یا اجرای ناقص تعهدات معاف می‌شود، در واقع دارند از حق قانونی خود در چارچوب اصل حاکمیت اراده استفاده می‌کنند. چنین شرطی، مادامی که با قوانین آمره و نظم عمومی تعارض نداشته باشد، معتبر و قابل اجراست؛ زیرا مستقیماً ریشه در همین اصل آزادی قراردادی دارد. با این حال، حاکمیت اراده مطلق و بدون محدودیت نیست. حقوق هر نظام حقوقی تلاش می‌کند میان آزادی اراده از یک‌سو، و رعایت عدالت، انصاف و حفظ منافع عمومی از سوی دیگر، تعادل برقرار کند. به همین دلیل است که شروطی مانند شرط عدم مسئولیت، در صورتی که منجر به سوءاستفاده از قدرت اقتصادی، ایجاد عدم تعادل شدید در قرارداد، یا تضییع حقوق طرف ضعیف‌تر شود، ممکن است باطل یا غیرقابل استناد تلقی شود. این محدودسازی در واقع، تلاشی برای جلوگیری از

بی‌عدالتی در پوشش اراده آزاد است (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۲۲).

بنابراین، شرط عدم مسئولیت اگرچه در بستر اصل حاکمیت اراده مشروعیت می‌یابد، اما برای آنکه از نظر حقوقی معتبر باشد، باید در چارچوب سایر اصول حاکم بر قراردادها مانند اصل لزوم، اصل حسن نیت، عدالت قراردادی و احترام به نظم عمومی نیز سنجیده شود. این شروط نباید پوششی برای فرار از مسئولیت در مواردی مانند تقصیر عمدی یا خسارات جبران‌ناپذیر باشند. در نتیجه، رابطه شرط عدم مسئولیت با اصل حاکمیت اراده رابطه‌ای ظریف و متعادل است که در مرز میان آزادی و الزام، معنا پیدا می‌کند.

۲-۲- شرایط صحت شروط قراردادی

برای اینکه یک شرط قراردادی معتبر و لازم‌الاجرا باشد، باید چند ویژگی اساسی را دارا باشد. قانون‌گذار در ماده ۲۳۲ قانون مدنی سه شرطی را که باعث بطلان شرط می‌شود، به‌روشنی بیان کرده است: شرط باید غیرمخالف با مقتضای عقد، غیرغیرممکن، و نامشروع نباشد. به عبارت دیگر، صرف توافق طرفین برای ایجاد یک شرط کافی نیست، بلکه باید دید

شرطی که تعیین شده، از نظر حقوقی نیز معتبر هست یا خیر. بنابراین، بررسی مشروعیت و تناسب شرط با طبیعت عقد، بخش جدایی‌ناپذیر از ارزیابی صحت آن به شمار می‌آید.

همچنین، رعایت شرایط اساسی صحت قراردادها جز علم تفصیلی به موضوع در مورد شروط ضمن عقد نیز لازم است. در حقیقت، در خصوص شرط قصد و رضا، از آنجایی که ماهیت شرط همچون قرارداد، ارادی است، تحقق آن به توافق اراده‌های انشائی است. اصل رضایی بودن شرط نیز مورد پذیرش است و از این جهت شروط تبانی قابل پذیرش هستند. طبیعی است برای تحقق شرط توافق اراده نیز لازم است ولی به اعتقاد ما عدم تطابق میان ایجاب و قبول از حیث شروط ضمنی، برخلاف نظر مشهور فقهی و حقوقی، عدم تحقق قرارداد را به دنبال ندارد. بلکه عقد اصلی بدون شرط ضمنی منعقد می‌گردد هرچند از جانب شخصی که شرط را مقرر نموده قابل فسخ است. البته اگر شرط جنبه اساسی داشته باشد و قید اراده به شمار آید باید از عدم تحقق قرارداد اصلی نیز سخن گفت. اهلیت قانونی^۱ در مورد مشروط له و مشروط علیه نیز از شرایط اعتبار شرط به شمار می‌آید. به طور معمول شخصی که برای انعقاد قرارداد اصلی اهلیت دارد در خصوص

^۱ - اعم از اهلیت تمتع و استیفا

از نظر حقوقی یا اخلاقی بی اعتبار است یا اعتبار آن محدود می شود. به طور خاص، زمانی که این شرط ناظر به معافیت از مسئولیت در قبال خسارات ناشی از تقصیر عمدی، صدمات بدنی، یا خسارات وارده به اشخاص ثالث باشد، معمولاً باطل تلقی می شود؛ زیرا چنین شروطی برخلاف نظم عمومی، اخلاق حسنه و قواعد آمره نظام حقوقی هستند. همچنین اگر این شرط در قالب یک قرارداد الحاقی به گونه ای بر طرف ضعیف تر تحمیل شده باشد یا به نوعی عدالت قراردادی را مختل کند، ممکن است دادگاه آن را غیر قابل استناد بداند. بنابراین، شرط عدم مسئولیت، مطلق و بی قید نیست و باید در چارچوب ضوابط حقوقی و ملاحظات اخلاقی سنجیده شود (نکوهی، ۱۳۹۳: ص ۲۷۳).

۱-۳- عدم مشروعیت در موارد خسارات بدنی یا عمدی

یکی از مهم ترین محدودیت های شرط عدم مسئولیت در قراردادهای مربوط به خسارات بدنی است. بر اساس اصول حقوقی و ملاحظات اخلاقی، نمی توان شخصی را از پیش از مسئولیت نسبت به آسیب هایی که ممکن است به جان یا سلامت جسمی طرف مقابل وارد کند، معاف کرد. جان انسان

شروط ضمن عقد نیز دارای چنین اهلیتی است. در عین حال گاه شخصی برای انعقاد عقد اهلیت دارد ولی نسبت به شرط فاقد اهلیت است مثل سفیه که برای ازدواج اهلیت دارد ولی در امور مالی نکاح مثل مهر فاقد اهلیت است. اگر موضوع شرط مجهول مطلق باشد، شرط به دلیل اینکه امکان اجرا ندارد باطل خواهد بود. لذا علم تفصیلی نیز لازم نیست زیرا به طور معمول شروط ضمنی اهمیت اساسی ندارند و جهل به موضوع آن، سبب غرری شدن معامله نمی گردد. مگر اینکه جهل به شرط، موجب جهل به عوضین^۱ گردد، که در این صورت قرارداد اصلی و به تبع آن، شرط باطل خواهد بود. شرط مشروعیت جهت درمورد شروط ضمنی نیز لازم است؛ زیرا در مورد قراردادهای مبنای مشروع بودن جهت، حفظ منافع جامعه و پاسداری از نظم عمومی است و این مبنا در مورد شروط با جهت نامشروع نیز قابل اجرا است (قبولی درافشان، ۱۳۹۱: ص ۳۴).

۳- موارد بطلان یا محدود شدن شرط عدم مسئولیت

شرط عدم مسئولیت، اگرچه بر پایه اصل حاکمیت اراده میان طرفین قرارداد معتبر دانسته می شود، اما در برخی موارد

^۱ - در قراردادهایی که علم تفصیلی به موضوع قرارداد شرط است

و تمامیت جسمانی او، از جمله ارزش‌هایی است که نه تنها در حقوق ایران، بلکه در بیشتر نظام‌های حقوقی جهان، جزء مصالح عمومی و قواعد آمره به شمار می‌رود. به همین دلیل، توافق بر عدم مسئولیت در قبال آسیب‌های جانی، حتی اگر با رضایت طرف زیان‌دیده باشد، مشروعیت و اعتبار ندارد. از منظر قانونی، چنین شروطی در تعارض مستقیم با نظم عمومی هستند و دادگاه‌ها آن‌ها را غیرقابل استناد می‌دانند. برای مثال، اگر در قراردادی شرط شود که یکی از طرفین در صورت ایراد صدمه بدنی به طرف دیگر، هیچ‌گونه مسئولیتی نداشته باشد، این شرط به دلیل مغایرت با قواعد بنیادین حمایت از سلامت افراد، باطل است. این محدودیت نه تنها در حقوق مدنی بلکه در مسئولیت‌های کیفری نیز مشاهده می‌شود؛ چرا که مسئولیت نسبت به آسیب بدنی، جنبه‌ای از مسئولیت عمومی و فراتر از صرف اراده خصوصی دو طرف است (حسینی زاده، ۱۴۰۳: ص ۹۲).

در مورد تقصیر عمدی نیز وضعیت به همین شکل است. اگر فردی به‌طور عمدی و با نیت قبلی، به دیگری زیان وارد کند، نمی‌توان با شرط قراردادی از پیش، خود را از مسئولیت چنین رفتاری مبرا سازد. توافقی که به شخص اجازه دهد با سوءنیت، به حقوق یا اموال دیگری آسیب بزند و در عین حال مسئولیتی نداشته باشد، نه تنها برخلاف عدالت و انصاف است،

بلکه با روح قانون و اصول مسئولیت مدنی نیز در تضاد قرار دارد. در حقیقت، نظام حقوقی برای رفتار عمدی هیچ‌گونه پوشش قراردادی قابل قبولی قائل نیست.

بنابراین، اگرچه اصل حاکمیت اراده طرفین در تنظیم مفاد قرارداد محترم شمرده می‌شود، اما در حوزه‌هایی که با جان، سلامت یا رفتارهای عامدانه و زیان‌بار مرتبط است، این اصل محدود می‌گردد. شرط عدم مسئولیت در چنین مواردی، به دلیل تعارض با منافع عمومی، قواعد آمره، و اصول اخلاقی، مشروعیت ندارد و حتی می‌تواند موجب بی‌اعتباری بخشی از قرارداد گردد. هدف حقوق از این محدودیت، حفظ کرامت انسانی، جلوگیری از سوءاستفاده و حمایت از افراد در برابر خطرات جدی و غیرقابل جبران است.

۲-۳- عدم امکان تحدید مسئولیت در قبال اشخاص ثالث

در نظام حقوقی، اصل حاکمیت اراده فقط بین طرفین قرارداد اعتبار دارد و نمی‌تواند به اشخاصی که خارج از دایره توافق‌اند تحمیل شود یا حقوق‌شان را محدود کند. به همین دلیل، اگر در قراردادی یکی از طرفین شرط کند که در صورت ورود خسارت به اشخاص ثالث، هیچ‌گونه مسئولیتی نداشته باشد، چنین شرطی نسبت به آن اشخاص قابل استناد نخواهد بود. شخص ثالث، چون نه در جریان توافق قراردادی بوده و نه اراده‌ای در شکل‌گیری آن داشته، طبیعتاً نمی‌تواند از حمایت

به ثالث، یکی از محدودیت‌های مهم این شرط در نظام حقوقی محسوب می‌شود.

۳-۳- بطلان شرط مغایر با نظم عمومی یا اخلاق حسنه

یکی از مواردی که می‌تواند به بطلان شرط عدم مسئولیت منجر شود، عدم تقارن قدرت و برتری اقتصادی یا حقوقی یکی از طرفین قرارداد نسبت به دیگری است. در قراردادهایی که معمولاً به صورت الحاقی یا از پیش تنظیم شده ارائه می‌شوند - مانند قراردادهای بیمه، بانکی یا خدمات عمومی - طرف ضعیف‌تر عملاً هیچ‌گونه نقشی در تنظیم شروط نداشته و فقط باید بپذیرد یا صرف‌نظر کند. در چنین مواردی اگر شرطی به نفع طرف قوی‌تر درج شده باشد که او را از هرگونه مسئولیت مبرا کند، این شرط برخلاف عدالت قراردادی تلقی شده و می‌تواند به دلیل عدم رعایت توازن واقعی در اراده‌ها، باطل شناخته شود. از سوی دیگر، نظام حقوقی ایران در کنار اصل آزادی اراده، مفاهیمی چون نظم عمومی و اخلاق حسنه را به عنوان خطوط قرمز مشروعیت قراردادها در نظر گرفته است. نظم عمومی به مجموعه قواعدی گفته می‌شود که برای حفظ منافع عمومی، ثبات اجتماعی و رعایت اصول اساسی حقوقی، لازم‌الاجرا تلقی می‌شوند. اخلاق حسنه نیز به هنجارهای پذیرفته‌شده عرفی و اجتماعی اطلاق می‌شود که تخطی از آن‌ها، موجب خدشه به وجدان عمومی جامعه می‌گردد. اگر

حقوقی بی‌نصیب بماند. بنابراین، شرط عدم مسئولیت در قبال خسارات وارده به ثالث، در برابر ایشان بی‌اثر است. نمونه بارز این مسئله را می‌توان در قراردادهای حمل‌ونقل یا خدمات عمومی مشاهده کرد. فرض کنیم شرکت حمل‌ونقل در قرارداد خود با فرستنده کالا شرط کرده باشد که در صورت آسیب به اشخاص ثالث در حین انجام حمل، مسئولیتی متوجه شرکت نیست. در این حالت، اگر خسارتی به شخص ثالث - مثلاً عابر پیاده‌ای - وارد شود، شرکت نمی‌تواند به آن شرط استناد کند تا از مسئولیت مدنی خود شانه خالی نماید. زیرا شخص ثالث خارج از قرارداد است و شرطی که میان دو طرف اصلی قرارداد مقرر شده، نمی‌تواند حقوق قانونی او را که طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی پدید آمده، زائل سازد (نکوئی، ۱۳۹۰: ص ۴۳).

همچنین در قراردادهای ضمانت، تأمین مالی، یا حتی مقاطعه‌کاری، ممکن است اثر قرارداد به نحوی به اشخاص ثالث نیز سرایت کند؛ اما این سرایت به معنای آن نیست که مسئولیت نسبت به آن‌ها را می‌توان با شرط قراردادی ساقط کرد. دادگاه‌ها نیز در رویه‌های خود غالباً به این نکته توجه دارند که توافقات خصوصی، هرچند بین طرفین الزام‌آور است، اما نمی‌تواند مانع از اعمال حقوق اشخاصی شود که خارج از قرارداد قرار دارند ولی از رفتار ناشی از آن متضرر شده‌اند. در نتیجه، اصل عدم تاثیر شرط عدم مسئولیت نسبت

شرطی - ولو با توافق طرفین - به گونه‌ای تنظیم شود که آشکارا با این موازین در تضاد باشد، از دید حقوقی فاقد اعتبار است (نکوهی، ۱۳۹۳: ص ۲۵۴).

در تحلیل نهایی، می‌توان گفت شرط عدم مسئولیت در صورتی که به واسطه سوءاستفاده از قدرت اقتصادی یا وضعیت برتر یکی از طرفین تحمیل شده باشد، یا چنان مغایر با انصاف و ارزش‌های بنیادین اجتماعی باشد که بر وجدان عمومی جامعه سنگینی کند، در تضاد با نظم عمومی یا اخلاق حسنه قرار می‌گیرد. این موارد نه تنها موجب بطلان شرط، بلکه در برخی موارد ممکن است به بی‌اعتباری کل قرارداد نیز بینجامد. قانون‌گذار با در نظر گرفتن این محدودیت‌ها تلاش می‌کند از حقوق افراد در برابر سوءاستفاده و بی‌عدالتی‌های قراردادی حمایت کند و تعادل را در روابط خصوصی حفظ نماید.

دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۷۰۱۰۰۷۳۱ مورخ ۲۰/۰۶/۱۳۹۱، صادره از شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان

تهران

در این پرونده، خواهان علیه خوانده (شرکت حمل‌ونقل) اقامه دعوا کرد و مدعی شد که به دلیل سهل‌انگاری و عدم رعایت مقررات ایمنی توسط خوانده، خساراتی به وی وارد شده

است. خوانده در دفاع از خود به شرط عدم مسئولیت مندرج در قرارداد استناد کرد.

دادگاه تجدیدنظر با بررسی نظرات کارشناسان رسمی دادگستری، به این نتیجه رسید که خوانده به دلیل سهل‌انگاری و عدم رعایت مقررات ایمنی، مقصر شناخته می‌شود. دادگاه اعلام کرد که شرط عدم مسئولیت زمانی معتبر است که تقصیر عمدی یا در حکم عمد مرتکب در قضیه دخیل نباشد. در این پرونده، به دلیل خسارت فراوان و سهل‌انگاری خوانده، تقصیر وی در حکم تقصیر عمدی برداشت شده و شرط عدم مسئولیت باطل اعلام گردید.

این رأی نشان‌دهنده آن است که در مواردی که یکی از طرفین قرارداد با سوءاستفاده از موقعیت برتر خود، شرط عدم مسئولیت را تحمیل می‌کند و این شرط منجر به تضییع حقوق طرف مقابل می‌شود، دادگاه می‌تواند با استناد به تعارض چنین شرطی با نظم عمومی و اخلاق حسنه، آن را باطل اعلام کند.

۴- تحلیل و پیشنهادات اصلاحی

۴-۱- بازنگری در نحوه مواجهه نظام قضایی با شرط عدم مسئولیت

۲-۴- پیشنهاد اصلاح یا تبیین مقررات قانونی موجود

برای جلوگیری از ابهامات و اختلاف‌نظرهای موجود در مورد شرط عدم مسئولیت در قراردادها، لازم است قوانین مدنی و قوانین خاص مرتبط با این موضوع با دقت بیشتری اصلاح و تبیین شوند. در قانون مدنی می‌توان بندهای روشنی را درباره حدود مشروعیت این شرط اضافه کرد تا مشخص شود در چه مواردی شرط عدم مسئولیت معتبر است و در چه شرایطی باطل تلقی می‌شود. این شفاف‌سازی، نقش مهمی در کاهش دعاوی حقوقی و افزایش امنیت حقوقی طرفین خواهد داشت و از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری می‌کند.

علاوه بر قانون مدنی، تدوین مقررات خاص برای قراردادها یا پرخطر یا حوزه‌هایی مانند حمل‌ونقل، بیمه، و خدمات عمومی نیز ضروری است تا چارچوب مشخصی برای پذیرش یا رد شرط عدم مسئولیت ایجاد شود. چنین مقرراتی می‌تواند با تعیین معیارهای مشخص، هم آزادی اراده طرفین را حفظ کند و هم از حقوق زیان‌دیدگان حمایت نماید. در نهایت، اصلاح و تبیین دقیق قوانین، به نظام قضایی کمک می‌کند تا تصمیمات عادلانه‌تر و هماهنگ‌تری در این زمینه اتخاذ کند.

۳-۴- راهکارهای پیشنهادی برای درج مشروع این شرط

در قراردادها

در سال‌های اخیر، مواجهه نظام قضایی با شرط عدم مسئولیت در قراردادها شاهد تغییر و تحولاتی بوده است که نشان‌دهنده تلاش قاضیان برای حفظ تعادل میان حاکمیت اراده طرفین و رعایت عدالت و حقوق عمومی است. محاکم با دقت بیشتری به محتوا و شرایط قراردادها توجه می‌کنند و سعی دارند شرایطی را که منجر به تضییع حقوق طرف ضعیف‌تر می‌شود، شناسایی و رد کنند. این رویکرد باعث شده تا شرط‌های غیرمنصفانه و نامشروع کمتر پذیرفته شوند و حقوق زیان‌دیدگان بهتر تأمین گردد، هرچند گاهی ممکن است برداشت‌های متفاوتی از حدود این شروط وجود داشته باشد.

با این حال، هنوز چالش‌هایی در عملکرد محاکم دیده می‌شود، مخصوصاً در مواردی که مرز میان آزادی اراده و رعایت نظم عمومی به خوبی مشخص نشده است. گاهی ممکن است قاضیان به طور کامل از این شروط حمایت کنند و گاهی نیز سخت‌گیری بیش از حد باعث شود برخی توافقات مشروع به رسمیت شناخته نشوند. به نظر می‌رسد نیاز است که نظام قضایی با آگاهی بیشتر و با استفاده از معیارهای دقیق‌تر، به بررسی این شروط بپردازد تا ضمن حفظ آزادی قراردادها، از سوءاستفاده احتمالی جلوگیری کند و عدالت را در قراردادها برقرار سازد.

است که این شرط با قواعد آمره قانون مدنی و اصول حاکم بر قراردادهای، از جمله اصل حاکمیت اراده و احترام به نظم عمومی، سازگار باشد. با رعایت این موارد، شرط عدم مسئولیت می‌تواند به صورت مشروع و قابل قبول در قراردادهای درج شود و از بروز اختلافات حقوقی پیشگیری نماید.

نتیجه‌گیری

حدود مشروعیت شرط عدم مسئولیت در قراردادهای موضوعی است که به توازن دقیق میان آزادی اراده طرفین و رعایت حقوق و منافع عمومی بستگی دارد. در اصل، شرط عدم مسئولیت ابزاری است برای کاهش ریسک و ابهام در روابط قراردادی و به طرفین اجازه می‌دهد مسئولیت خود را در برابر خسارات مشخصی محدود کنند. اما این محدودیت‌ها نباید به گونه‌ای باشد که حقوق دیگران یا منافع عمومی را نادیده بگیرد یا موجب بی‌عدالتی شود. بنابراین، مشروعیت این شرط زمانی حفظ می‌شود که در چهارچوب اصول حقوقی و اخلاقی قرار داشته باشد.

یکی از مهم‌ترین محدودیت‌ها، عدم امکان اسقاط مسئولیت در موارد خسارات بدنی یا اعمال عمدی است. قانون‌گذار و نظام قضایی به روشنی تأکید کرده‌اند که نمی‌توان به صورت قراردادی مسئولیت ناشی از صدمات جانی یا رفتار عمدی را از بین برد. این قاعده از اصول بنیادین حمایت از

برای درج مشروع شرط عدم مسئولیت در قراردادهای، نخست باید شرایط و حدود مشخصی برای پذیرش این شرط تعیین شود. مهم است که این شرط تنها در مواردی به کار رود که زیان یا خسارت ناشی از تقصیر غیرعمدی باشد و شامل خسارات ناشی از اقدامات عمدی یا خسارات بدنی نشود. همچنین طرفین باید در هنگام تنظیم قرارداد، به صورت روشن و صریح از این شرط آگاه باشند و رضایت واقعی و آگاهانه خود را نسبت به آن اعلام کنند تا از هر گونه ابهام یا سوءتفاهم جلوگیری شود.

نکته دوم مربوط به نحوه نگارش شرط است. این شرط باید به زبانی ساده، شفاف و بدون ابهام در متن قرارداد آورده شود تا هر دو طرف بتوانند به راحتی آن را درک کنند. استفاده از اصطلاحات پیچیده یا کلیشه‌ای که ممکن است برداشت‌های متفاوتی ایجاد کند، باید پرهیز شود. همچنین توصیه می‌شود در متن شرط، موارد استثنا و شرایطی که مسئولیت طرف متعهد باقی می‌ماند، به طور دقیق ذکر گردد تا حق هیچ یک از طرفین تضییع نشود.

در نهایت، تطبیق شرط با اصول فقهی و حقوقی موضوعی ضروری است. شرط باید با موازین عدالت، انصاف و اخلاق حسنه هم‌راستا باشد و نباید موجب بی‌عدالتی یا تحمیل نامتوازن بار مسئولیت به یکی از طرفین گردد. همچنین لازم

دقیق‌تر در محاکم دیده می‌شود تا از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری شود و عدالت در همه قراردادهای برقرار بماند.

در نهایت، برای حفظ مشروعیت شرط عدم مسئولیت، باید قوانین مربوط به قراردادهای اصلاح و تبیین شود تا با شفافیت بیشتر چارچوب و حدود این شرط مشخص گردد. همچنین، توجه به اصول فقهی، اخلاقی و حقوقی به همراه آموزش و آگاهی‌بخشی به طرفین قرارداد، می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از اختلافات و سوءاستفاده‌ها ایفا کند. با چنین رویکردی، شرط عدم مسئولیت می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد و مشروع در قراردادهای به کار گرفته شود و تعادل و عدالت را در روابط حقوقی تضمین نماید.

پیشنهادهای

پیشنهادهای اجرایی:

۱. تدوین دستورالعمل‌های دقیق برای نگارش شروط عدم مسئولیت در قراردادهای

۲. آموزش قضات و کارشناسان حقوقی درباره حدود مشروعیت این شروط

۳. ایجاد سامانه ثبت و بررسی شروط قراردادی برای نظارت بهتر

پیشنهادهای کاربردی:

۱. الزام طرفین قرارداد به شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی کامل درباره شرط عدم مسئولیت

کرامت انسانی و امنیت جانی افراد نشأت می‌گیرد و نشان‌دهنده اهمیت رعایت حقوق پایه‌ای هر شخص است. همچنین، شرط عدم مسئولیت نمی‌تواند بر اشخاص ثالث که در قرارداد نقشی ندارند، تأثیر بگذارد، زیرا آن‌ها از اراده طرفین قرارداد خارج هستند و نباید حقوق آن‌ها تضییع شود.

از سوی دیگر، مشروعیت شرط عدم مسئولیت نیازمند رعایت عدالت قراردادی و توازن واقعی میان طرفین است. وقتی یکی از طرفین به دلیل ضعف اقتصادی، فنی یا اطلاعاتی در موقعیتی نامتوازن قرار دارد، اعمال چنین شرطی ممکن است سوءاستفاده به حساب آید و به بی‌عدالتی منجر شود. در این موارد، نظم عمومی و اخلاق حسنه مانع از اجرای شرط می‌شوند تا حقوق طرف ضعیف‌تر حفظ شود. بنابراین، شفافیت، رضایت واقعی و آگاهانه طرفین و توازن قدرت از شروط اساسی مشروعیت این شرط محسوب می‌شود. نظام قضایی نیز با رویکردی رو به پیشرفت تلاش می‌کند در برخورد با شرط عدم مسئولیت، ضمن احترام به اصل آزادی قراردادهای، از حقوق طرف‌های آسیب‌دیده حمایت کند. این تعادل ظریف در قضاوت‌ها باعث شده که شروطی که غیرمنصفانه یا مغایر با عدالت باشند رد شوند و شرایطی که مشروعیت دارند مورد تأیید قرار گیرند. اما هنوز نیاز به آگاهی بیشتر و معیارهای

۲. تدوین نمونه قراردادهای استاندارد با
شروط مشروع و قابل قبول

۳. تقویت نهادهای میانجیگری و داوری
برای حل اختلافات مرتبط با شروط عدم مسئولیت
پیشنهادهای عملی:

۱. بازنگری و اصلاح قوانین مرتبط با شرط
عدم مسئولیت در قانون مدنی

۲. تعریف دقیق موارد استثنا و حدود
پذیرش شرط عدم مسئولیت در قوانین خاص

۳. توسعه رویه قضایی هماهنگ و مستند
برای تصمیم‌گیری درباره مشروعیت این شروط

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در
اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه
نظرات ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرات ساختاری و
علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول
آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرات
ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

۴- فرهنگی قلعه جوقی، ندا (۱۴۰۰)، ماهیت معاذیر در قرارداد و شرط عدم مسئولیت در حقوق ایران و عراق، پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماکو

منابع

کتاب‌ها

نکوئی، محمد (۱۳۹۰)، شرط عدم مسئولیت، چاپ اول، انتشارات بنیاد حقوقی میزان

مقالات

۱- اکبرزاده، رجب؛ ادهمی، سعیده (۱۴۰۰)، قلمرو و آثار شرط عدم مسئولیت از منظر فقه امامیه، فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین، دوره ۲، شماره ۷، صص ۷-۸۷

۲- سلیمانی، ایران؛ خدایانه بودللو، سولماز؛ وهابزادگان، حسین (۱۳۹۶)، بررسی حقوقی اصول حاکم بر قراردادها، کنفرانس ملی علوم انسانی، صص ۲۵-۱

۳- عابدی، محمد (۱۳۹۴)، تحلیل اقتصادی شرط عدم مسئولیت، دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، دوره جدید، سال ۲۲، صص ۲۱-۱

۴- قبولی درافشان، سیدمحمد مهدی؛ قبولی درافشان، سیدمحمد هادی (۱۳۹۱)، بررسی لزوم یا عدم لزوم شرایط اساسی صحت قراردادها در مورد شروط ضمن عقد، دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانش حقوق مدنی، شماره نخست، صص ۳۶-۲۷

۵- نقوی سالستانی، احسان؛ نقوی سالستانی، افشین (۱۴۰۲)، بررسی شرط عدم مسئولیت در فقه و حقوق موضوعه ایران، هشتمین کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق و پژوهش‌های دینی، صص ۲۰-۱

۶- نکوئی، محمد (۱۳۹۳)، مصادیق بطلان شرط عدم مسئولیت، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۴، شماره ۲، صص ۲۷۳-۲۵۳

پایان‌نامه‌ها

۱- بصیرتی، محمدجواد (۱۳۹۴)، شرط مسئولیت و عدم مسئولیت در عقود اذنی در فقه، حقوق ایران و انگلیس، پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام

۲- حسینی زاده، رقیه (۱۴۰۳)، مسئولیت کیفری ناشی از اشتغال به امور درمانی زیبایی با تأکید بر رویه قضایی، پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود

۳- دهقان، رمضان (۱۳۷۶)، شرط عدم مسئولیت در حقوق ایران، پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز